

زن در شاهنامه فردوسی مظهر دانایی و هوشمندی است

۱ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۵۵

از خصوصیات زنان در شاهنامه پایداری آنها در عشق پاک است و همین امر موجب دلگرمی پهلوانان حادثه‌ساز شاهنامه می‌شود؛ از محسنات دیگر زنان، دانایی، هوشمندی و فراست زیرکانه است.

به گزارش سایت جوان و تاریخ، وبلاگ قلمدون نوشت: ابوالقاسم فردوسی به «حکیم» ملقب شد، زیرا علاوه بر سخن سرایی بر حکمت و علم نظری زمان خویش سلطه داشته است و شعر حماسی را در زمان محنت ایران، وسیله‌ای برای بیان علم و الم عمیق خود ساخته بود.

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر ملی بود؛ شاعر ملی کسی است که در سراسر کلام خود ملت را سرمایه سخن قرار داده و مهمات تاریخی و سیاسی و ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی ملت خود را در شعر حماسه و ابدی حفظ کرده باشد؛ تصور ملت در ذهن فردوسی ایران است.

فردوسی تاریخ ملی قدیم ایران را تحریر کرده و وقایع تاریخی و سیاسی و حوادث ملی را به صورت تلمیح و اشاره به منظور عبرت‌انگیزی بیان کرد؛ در کلام او مطالب حکیمانه و نکات فیلسوفانه به فراوانی وجود دارد.

فردوسی تأکید می‌ورزد که شناخت خدا و به جای آوردن ستایشی سزاوار او، ناشدنی است و تمام آنچه می‌توانیم بکنیم این است که هستی‌اش را بپذیریم؛ حکیم دوستدار خاندان پیغمبر اکرم (ص) و امام علی (ع) بوده و راه رستگاری و سعادت بشریت را در دینداری و دانش پژوهی می‌جسته است، چنانچه خود می‌گوید:

تو را دانش دین رهاند درست

ره رستگاری ببایدت جست

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

تمام تلاش فردوسی این بود تا خرد را حاکم بر انسان و سرنوشت خودکند، زیرا اگر جلودار ملت باشد، این همه درگیری‌ها، کشت و کشتار و جنگ بین حاکمان در سرزمین‌های مختلف پیش نمی‌آید؛ همت فردوسی بر آشنا کردن خود محوران به عقل و اندیشه است و از جنگ و خونریزی گریزان است؛ ولی باید داستان رزم و رزم آوران را بیاورد تا بلکه طبع سیری ناپذیر بر می‌خیزد.

اما گسترش عدل و داد از دیگر اهداف حکیم است، از آنجایی که دادگستری سرشت انسان سازگار است و انسان‌ها طالب آن هستند و از ظلم و ستمگری متنفرند، زیرا عدل و داد در طول تاریخ موضوع مهمی برای فرهیختگان متمایل به سیاست بوده است؛ فردوسی شاهنامه از امیری به امیری دیگر می‌پردازد که بیانگر زودگذر بودن اقتدار دنیوی است.

بزرگترین اثر فردوسی شاهنامه است و یکی از عوامل ماندگاری شاهنامه در دوره اسلامی این است که شاهنامه ویرایش از ایران باستان در عصر اسلامی است؛ به این معنا که شاهنامه هرگز در مقابل اصول اسلامی قرار نگرفته است و به دلیل هماهنگی‌ای که با اصول اسلامی داشته ماندگار شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؛ از آنجایی که مقدمه خوبی که نسبت به ستایش خداوند، سلام، پیامبر اکرم (ص) و نیز اهل بیت (ع) در شاهنامه موجود است، سبب ماندگاری آن در فضای ایرانی و اسلام شده است.

حکیم در بیان مضامین و مطالب عبرت آمیز به معانی و مفاهیم قرآنی نیز توجه ویژه داشته است؛ از سویی شاهنامه فقط به بازسازی و احیای زبان فارسی نپرداخته بلکه منبع و خاستگاهی برای حکمت و عرفان بوده است؛ اگر شاهنامه نبود، نقالی به وجود نمی‌آمد؛ از سویی، حجم سازی، کاشی کاری‌ها و نقاشی‌های دوره مدرن، همگی از داستان‌ها و روایت‌های شاهنامه تأثیر پذیرفته‌اند؛ آری دریای جاودانه و بی‌کرانه شاهنامه از دیدگاه‌های گوناگون ارزشمند و در خور بررسی است.

فردوسی شاهنامه را به نام محمود غزنوی کرد و او را در شاهنامه ستود اما گویا در اواخر عمر از این کرده خود پشیمان شد و حتی به هجو محمود پرداخت؛ زیرا وی چنانچه باید و شاید به شاهنامه توجهی نکرد و آن را نپسندید و ارزش آن را در نیافت؛ زیرا فردوسی ایرانی بود و هدفش زنده کردن فرهنگ کهن ایرانی بود در حالیکه محمود از افتخارات ایرانیان چندان خوشش نمی‌آمد؛ دیگر آنکه محمود غزنوی توقع داشت، فردوسی همچون عنصری و فرخی و دیگر شاعران جز در ستایش او سخن نگوید حال آن که فردوسی اندیشه والاتری داشت.

فردوسی شیعه بود و به خاندان امام علی علیه السلام ارادت می‌ورزید، در حالیکه محمود با شیعیان میانه خوبی نداشت، چنانکه

دشمنی او با شیعیان اسماعیلی مشهور است. آری فردوسی اثر گرانمایه خویش را که سرمشار از حکمت و علم و درس زندگی است به تمامی ایرانیان این مرز و بوم تقدیم کرد.

انسان کامل در شاهنامه به زیور یگانه پرستی، آزادی از تعلقاف اعتقاد به کیفر الهی، بخشندگی، بردباری، خاموشی، راست کرداری، خدمت به خلق، فریاد رسی مظلوم، خردمندی، دادگری، رضا و خرسندی، شرم و آزر، فروتنی، گفتار نیک و نیکنامی آراسته است.

از بارزترین مشخصات شاهنامه پرداختن به هویت ایرانی است و از دیگر خصوصیات شاهنامه، زیبایی شناسی ادبی و زبانی است شاهنامه از نظر زبانی، کتابی است بی نظیر و استحکام زبان فردوسی سبب شده است که زبان فارسی زنده شود از دیگر ویژگی‌های این اثر شگرف، مضامین جهانی آن است زیرا مسائلی نظیر شجاعت، ایثار، خرد و حکمت و ... فراوان تأکید شده است و اینها چیزی نیست که به محیط و دوره‌ای خاص تعلق داشته باشد.

در یک کلام می‌توان گفت حکیم با سرودن شاهنامه، سنگ بنای انقلاب فرهنگی و احیای هویت در ایران را بنیان گذاشته شاهنامه شعر افتخارات و رنج‌های یک ملت است و همین بس بود که بتوان آن را در ردیف عالی‌ترین آثار ادبی جهان جای داد؛ شاهنامه ارزش دیگری نیز دارد و آن اینکه در دوران بسیار حساس و نابسامان را به هم پیوند می‌دهد و از یک سو ایران کهن که در آن یکی از معروف‌ترین مذاهب دنیا پدید آمد و از دیگر سو ایران قرن یازدهم میلادی که سپیده و طلوعه ایران نو بشمار می‌آید.

شخصیت‌های شاهنامه به سرنوشتی که خداوند برای آنها رقم زده سخت پای بندند و بر حسب ایمانی که دارند به راحتی خود را تسلیم اوامر خداوند می‌کنند که بی شک چنین عقیده‌ای ناشی از ایمان قوی است.

اگر حاصل زندگی بندگی است

دو صد بار مردن به از زندگی است

در اغلب داستان‌های شاهنامه می‌توان در پای اندیشه‌های عامیانه را یافته اعتقاد به انواع موجودات اهریمنی، درندگان، پرندگان و انواع درختان شگفت انگیز و موجودات خیالی که در اندیشه ایشان وجود خارجی نیز دارند و با قدرت فرا بشری خود بر همه امور تسلط دارند و تنها پهلوانان توان مقابله با آنها را دارند؛ در شاهنامه داستان‌های عاشقانه در نهایت سادگی و دور از تجمل و در خدمت حماسه است و توصیفات فردوسی در حالات روحی و روانی عاشق و معشوق، طبیعی و هنرمندانه است.

از خصوصیات زنان در شاهنامه پایداری آنها در عشق پاک است و همین امر موجب دل گرمی پهلوانان حادثه ساز شاهنامه می‌شود؛ از محسنات دیگر زنان، دانایی و هوشمندی و فراست زیرکانه زنانه است.

داستان‌های عاشقانه هر کی در حد خود اوج کمال و زیبایی است و با بررسی دقیق و موشکافانه هم نمی‌توان برتری یکی بر دیگری را داوری کرد؛ از جمله داستان‌های معروف شاهنامه، داستان زال و رودابه، بیژن و منیژه، سیاوش، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار و بهرام گور و بهرام چوبینه و ... است که در هر یک از اینها به فراخور موضوع چندان لطیف و زیبایی، ظرافت، شکوه، جوانمردی، شجاعت، عفت و حکمت نهفته است که خواننده دقیق در هر تکراری نکته‌ای از نو در می‌یابد.

فردوسی در تمام این داستان‌ها چندان مهارت و توانایی به کار برده است که می‌توان ادعا کرد فکر بشری دیگر بار نظم و پیوندی از این بهتر به ارمغان نخواهد آورد.

پیام شاهنامه، پیامی انسانی و جهانی است و کارکرد آن را نمی‌توان در دایره تنگ یک ملت و یک سرزمین محصور کرد و از همین روست که عده بی‌شماری از دانشمندان و صاحبان خرد در دیگر کشورهای جهان، شیفته فردوسی و شاهنامه او شده و عمری را در شناخت و تحقیق درباره آن صرف کرده‌اند.

ناگفته نماند که این قبول عام و تجلیل از مقام فردوسی توأم با افسانه حرمان و بی‌خانمان شدن و در فقر و تنگدستی مردنش که در افرا افکنده بودند، چنان او را در خاطره‌ها عزیز کرده بود که به ناچار موجب رشک و حسد بعضی شعرا می‌شد، اما حسادت و بغض‌ها هیچگاه نتوانست از مقبولیت فردوسی و شاهنامه، که حاصل عمر توأم با رنج و زحمت سراینده آن است، بکاهد.

بسی رنج بردم بدین سال سی

عجب زنده کردم بدین پارسی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۴۹۸۵/زن-شاهنامه-فردوسی-مظهر-دانا-پارسی>